

متن پرسش

با سلام خدمت استاد بزرگوار: سوالم اینست که در برخی روایات در پاداش فلان عمل آمده که باعث آمرزش گناهان گذشته و آینده است (مانند روزه ی روز آخر رجب در مفاتیح). چطور ممکن است گناهی که در آینده مرتکب خواهیم شد در عین کثرت و بزرگی آمرزیده شود؟ لطفا درباره ی آمرزش گناهان آینده که در این دست روایات آمده توضیح بفرمایید؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بیشتر این نوع روایات نظر به ساختن شخصیتی دارد که آن شخصیت در اثر اعمال معنوی، تصمیماتش الهی می‌شود و لذا با چنین شخصیتی آینده‌ی خود را شکل می‌دهد و این آینده، آینده‌ی انسان گناه‌کاری نخواهد بود و این‌که می‌فرمایند گناهان گذشته و آینده آمرزیده می‌شود؛ بیشتر یک اصطلاح است، نه آن‌که گمان کنیم خداوند مانع گناه انسان در آینده‌ی او می‌شود و انسان را از اختیار خارج می‌کند. و این‌که قرآن می‌فرماید: «لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا». خداوند در آیه دوم سوره‌ی فتح می‌فرماید: گناهان گذشته و گناهان آینده تو را می‌بخشیم. **علامه طباطبائی** می‌فرمایند: از آن‌جایی که ما همواره واژه ذنب که به گوشمان می‌خورد، بلا فاصله گناه به ذهن ما خطور می‌کند. و حال آن‌که معنای واقعی ذنب گناه نیست؛ بلکه آثار سوء است. و از کلمه «غفران» هم ما معمولاً معنای بخشش را استفاده می‌کنیم؛ و حال آن‌که معنای غفران پوشش است نه بخشش. و لذا در این جا قرآن می‌فرماید: ای پیامبر! ما فتح مبینی را نصیب تو کردیم، تا ببوشانیم برای تو آن‌چه را که مقدم شده از آثار سوء و آن‌چه که تأخیر افتاده. خدای عالم نعمتش را با این بر شما تمام کرده است. در این جا با توجه به این قضیه صلح حدیبیه یا فتح مکه، مراد از این «ذنب» آثار سوئی است که در نزد قریش نسبت به نبی مکرم بوده است؛ چه قبل از هجرت، چه بعد از هجرت. پیغمبر اکرم، قبل از هجرت تمام بساط عقیدتی قریش را بهم زد و با مبانی اعتقادی و بت پرستی آن‌ها مبارزه کرد. و بعد از هجرت هم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در عزوات متعدد شخصیت‌های برجسته قریش را به خاک مزلت انداخت و لذا قریش نسبت به نبی مکرم، کینه سخت در دل داشتند و آثار سوئی از این عمل کرد نبی مکرم؛ چه قبل از هجرت و چه بعد از هجرت، در دل قریش بود؛ همان‌گونه در رابطه با حضرت موسی علیه السلام هم که وقتی خدای عالم او را مأمور می‌کند برای هدایت بنی اسرائیل و غبطیان می‌گوید: «وَأَلْهَمُ عَلِيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ» (الشعراء / ۱۴) من نسبت به غبطیان احساس می‌کنم که ذنبی

دارم. ذنب گناه نیست. حضرت موسی آن غبطی را که در حال تعدی و تجاوز بود ، و نیز محدود الدم بود ، او را از ظلم دفع کرد و نه تنها گناهی نکرد ؛ بلکه به وظیفه بندگی و الهی‌اش عمل کرد . « وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ » یعنی آثار سوئی از این عمل کرد من در اذهان بنی اسرائیل و غبطیان و فرعونیان است « فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ » می‌ترسم این غبطیان به خاطر این آثار سوء مرا بکشند . و لذا در سوره فتح هم خدای عالم می‌فرماید: پیغمبر! آثار سوئی که از عمل کرد تو ؛ چه قبل از هجرت ، چه بعد از هجرت در نزد مشرکان قریش بود و از این کار شما قریش در دل کینه داشتند ، و تصمیم گرفته بودند مادامی که انتقام نگیرند از جا ننشینند ؛ ولی ما با این فتی که نصیب تو کردیم ، شوکتی که برای تو در این فتح عنایت کردیم ، مشرکان قریش از هر گونه انتقام‌گیری ، مأیوس شدند و دیگر آن آثار سوئی که در نزد قریش نسبت به تو بود ، خدای عالم همه را پوشش داد . لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ ؛ یعنی خدای عالم پوشش داد آن‌چه که قبل از هجرت و آن‌چه بعد از هجرت از آثار سوئی که در نزد قریش بود ، از تو پوشش داد .(علامه طباطبائی در ج ۱۸ المیزان ، ص ۲۵۴ - تفسیر نمونه عربی «الأمثل» ج ۱۶ ، ص ۴۲۲). موفق باشید